

ادراک بصری محله چیدر توسط نوجوانان چیدری

پیروز حناچی^{۱*}، مرضیه آزاد ارملی^۲

^۱استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران
^۲کارشناس ارشد معماری از دانشگاه تهران و دانشجوی دکترای معماری در پاریس

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۱۵

چکیده

چیدر اگر نه برای همه تهرانیان حداقل برای اهالی شمشیرانات هویتی آشنا دارد. محله‌ای که از یک سو به عنوان بافتی تاریخی حائز اهمیت است و از سوی دیگر به عنوان بافتی فرسوده درگیر مشکلات خاصی است. از منظر این مقاله هر گونه اصلاح و طراحی برای بهبود فضایی این محله باید افزون بر تأملات کارشناسی با توجه به تجربه، خاطرات و علائق ساکنان و ذی‌نفعان صورت پذیرد. از این رو، این مقاله با عطف توجه به اهمیت مشارکت شهروندان، به گروه سنی خاصی از شهروندان نظر دارد که در طراحی‌ها کم‌تر در نظر گرفته می‌شوند. ساختمان‌ها و محله‌ها توسط بزرگسالان طراحی می‌شود، در حالی که عموماً توسط کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در زمان طراحی، بزرگسالان به معیارهایی چون اجرایی بودن، حفظ انرژی، زیبایی‌شناسی و مسائل اقتصادی توجه بسیار دارند. به طور حتم این موارد اهمیت بسزایی دارد، اما هیچ ارتباطی با تجارب کودکان ندارد. تجربه بزرگسالان از فضا بر پایه نحوه استفاده آن‌ها از مکان تعریف می‌گردد، در حالی که کودکان در جستجوی این هستند که هر فضا چه می‌گوید و چگونه باید با آن مواجه شد و تجربه‌اش کرد. این مقاله با بهره‌مندی از روش پیمایش به بررسی تجربه و حس نوجوانان چیدری از فضاهای مختلف محله‌شان می‌پردازد و می‌کوشد تا دستاوردهای یک پژوهش را که به هدف نخست، «حساس‌سازی» نوجوانان به فضا و معماری و دوم، دریافت حس، ذوق و نظر ایشان از فضای محله چیدر انجام شده است را ارائه نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که باید تأملی جدی در بازسازی فضاهای محلی با در نظر گرفتن حس و تجربه کودکان محله صورت گیرد.

واژگان کلیدی: مشارکت، الگوها، حس نوجوانان، چیدر، فضا، معماری برای کودکان.

چیدر هم‌چون بسیاری از محله‌های ایرانی به صورت تدریجی و کاملاً ارگانیک شکل گرفته است. در این میان نقش امام‌زاده علی اکبر در این شکل‌گیری بی‌تأثیر نبوده است. محله‌ای که به دلیل داشتن محوریت مذهبی مردمان بسیاری را به سوی خود جذب کرده و دربرگیرنده بسیاری از خاطرات شمیرانی‌ها است. اما چیدر نیز به‌سان دیگر محله‌های کلان شهر تهران با مسأله از دست دادن هویت محله‌ای در روند بازساخت شهری روبه‌رو بوده است.

تا پیش از ورود دوره مدرن به ایران، محله‌مندی از نظام خاصی برخوردار بود. محله‌ها نه تنها به صورت فیزیکی بافت‌های مختلف شهری را از یکدیگر متمایز می‌ساختند، بلکه به لحاظ ذهنی نیز هویت‌های خاص خود را در ذهنیت شهروندان ایجاد می‌کردند، به این صورت که شهروندان بخشی از هویت خود را از محله خویش اخذ می‌کردند. فروپاشی چنین نظام شهری بسیاری از محله‌ها از جمله چیدر را دچار آسیب کرده است. این انفصال نظام محله‌ای که امروزه با آن مواجه هستیم، به مرور زمان حس تعلق مردم را نسبت به محله‌شان کاهش داده است.

از آن‌جا که این مردم هستند که هویت محله‌شان را شکل می‌دهند، تنها به دست خودشان نیز این هویت به محله بازگردانده خواهد شد. بی‌شک حضور مردم در صحنه‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به محل سکونت شان می‌تواند بسیار مؤثرتر از تصمیم‌های گرفته شده توسط دولت یا سایر سیاست‌مداران باشد. صداها، بوها، رنگ‌ها، روابط، داد و ستدها و سایر عناصر شاخص محله‌های ایرانی به سبب تمرکز مردمان خاص با سبک زندگی ویژه است. بنابراین راه هویت‌بخشی به آن‌ها بهره‌گیری از همان افکار و اندیشه‌ها است. آن‌چه اهمیت دارد این است که چگونه می‌توان بافت تاریخی چیدر را دوباره به پویایی و سرزندگی گذشته بازگرداند؟ درست است که بازگرداندن محله‌ها، گذرها و بافت شهری چیدر قدیم غیر ممکن است، اما برقراری پیوندهای اجتماعی و ایجاد روابط انسانی در محله می‌تواند ضمن ارتقای سرمایه اجتماعی، احساس امنیت عاطفی بیش‌تری به ساکنان عرضه دارد و با ایجاد علائق و دلبستگی‌ها از فرو رفتن شهروندان در توده‌های عظیم جمعیتی کلان شهری جلوگیری نماید. از طریق همیاری و مشارکت عموم مردم - آنانی که ساکنان اصلی بافت هستند - می‌توان هم‌چون گذشته حس «تعلق خاطر به مکان» را بازگرداند. احساسی که نه تنها می‌تواند سبب پویایی شود بلکه کسانی را که بافت را ترک نموده‌اند، بدان بازگرداند.

بازآفرینی خاطره‌های چیدریان که احیاکننده مرکزیت و هویت این منطقه است، تنها با بهسازی و مرمت صحیح محله با مشارکت خود چیدریان انجام خواهد گرفت. ساختار محله به دلیل از دست رفتن بسیاری از مشاغل، فضاها و عملکردها تغییر یافته است. از میان گروه‌های سنتی مختلف محله، نوجوانان و کودکان اهمیتتی مضاعف دارند. ایشان علاقه‌مندی بسیاری به روابط دوستی دارند و بعضاً زمان زیادی را در فضاهای محله سپری می‌کنند و اصولاً

میل تعلق به محله در این سنین ایجاد می‌شود. پس، بهتر خواهد بود اگر در ایجاد تغییرات مثبت در ابعاد محلی از نیروی فکر و کار این گروه استفاده شود و حس شهروندی در آنان افزایش یابد. این اقدام نه تنها برای خود نوجوانان بلکه برای دیگر اعضای جامعه و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران نیز منافی در بر خواهد داشت (دریسلر، ۱۳۸۷). در محله‌ها، نوجوانان باید در کنار سایر گروه‌های جامعه به عنوان صاحب‌نظران در امر شهر و توسعه جامعه دخیل شوند. مهم‌ترین هدف این مقاله بررسی مشارکت نوجوانان و جوانان در فعالیت‌ها برای پیشرفت فضایی است که خود در آن زندگی می‌کنند. تشویق این گروه از شهروندان علاوه بر افزایش میزان توجه آن‌ها به محله‌شان سبب به کارگیری این نیروی جوان در جهت مثبت خواهد بود. رویکرد مشارکتی برای توسعه و مرمت محله چیدر باید با کمک قشر نوجوان در مقطع راهنمایی که گروه سنی کنجکاو و آشنا با محیط محلی هستند، صورت گیرد. از این رو، آگاهی از نیازهای این گروه سنی و همچنین احساسات ایشان نسبت به فضاهای مختلف محله و ذائقه آن‌ها حائز اهمیت است. بنابراین پرسش اصلی مقاله را که آگاهی از ادراک بصری نوجوانان چیدر نسبت به حوزه زیست‌شان است، با مشارکت و هم‌صحتی با نوجوانان چیدر پیش برده‌ایم. با مشاهده خود به ناهماهنگی و آشفتگی در بافت پی‌می‌بریم؛ با این فرض که می‌توان حس مشابهی را در دیگر افراد یافت. بر اساس این فرض و با طرح مجموعه‌ای پرسش و صفات حسی نظر گروه نوجوان را در این باره بررسی کرده‌ایم.

۱. چارچوب نظری

چیدر از یک سو بافتی تاریخی است و از سوی دیگر بافتی فرسوده. از این رو هرگونه برنامه‌ریزی برای این محله باید با توجه به مقتضیات بافت‌های تاریخی و فرسوده باشد. نکته دیگر لزوم مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری به ویژه در سطح محله‌ها است. از این رو، در رویکرد نظری به این سه امر توجه ویژه‌ای می‌شود.

۱-۱. ارزش‌های آثار تاریخی

برای بافت‌های با ارزش تاریخی می‌توان چهار گروه ارزش‌های زیر را شناسایی کرد، که هر بافت و اثر ممکن است واجد همگی یا برخی از آن‌ها باشد:

- الف- ارزش‌های تاریخی (شامل ارزش اصالت، ارزش‌های صنعتی، ارزش‌های محیط زیستی)،
- ب- ارزش‌های فرهنگی (شامل ارزش‌های اعتقادی، ارزش‌های احساسی، ارزش تنوع فرهنگی)،
- ج- ارزش‌های کاربردی (شامل ارزش علمی، ارزش عملکردی، ارزش اقتصادی و ارزش سیاسی)،
- د- ارزش خاص بودن (شامل ارزش ندرت و ارزش قدمت) (حناچی و دیگران، ۱۳۸۶).

۱-۲. ارزش اصالت

اصالت یکی از معیارهای اصلی در ارزش‌یابی آثار تاریخی است.

۱-۳. مشارکت

انسان‌ها بهترین سرمایه‌ای هستند که شهرها در اختیار دارند. توانمندی‌ها، منابع مالی و حتی احساسات و خاطرات شهروندان از شهر مهم‌ترین سرمایه‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. امروزه توجه و نگاه به بحث مشارکت عمومی ضرورتی اساسی در برنامه‌های توسعه شهری است. حضور انسان و اعمال اندیشه‌های او در مسائل مربوط به شهر و فضای شهری بیش از پیش در سیاست‌های کلان‌شهری مورد تحلیل قرار گرفته است؛ چرا که پویایی شهر همواره منوط به حضور خود انسان است.

واژه مشارکت از نظر لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص است و جوهره اصلی آن درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری است. برخی از صاحب‌نظران مدیریت، چنین تعریفی را برای مشارکت ارائه نموده‌اند: «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند» (طوسی، ۱۳۷۰).

سه جزء مهم در تعریف مشارکت عبارتند از: درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت. این سه جزء به‌طور اجمالی معرّف مفهوم و اولویت‌ها در امر مشارکت عمومی هستند. افراد جامعه زمانی که به مشارکت خوانده می‌شوند در وهله نخست درگیر افکار، اهداف و برنامه‌های ما می‌شوند، در بسیاری از موارد ما را در نیل به اهداف یاری می‌رسانند و در یافتن پاسخ پرسش‌های طرح کمک مهمی خواهند بود. مشارکت بیش از هر موضوع دیگر به معنای درگیری ذهنی و عاطفی است و تنها به کوشش‌های بدنی محدود نمی‌شود. در مشارکت نه فقط مهارت‌های جسمانی شخص، بلکه مهارت و توانایی‌های روان‌شناختی او درگیر است. انسانی که مشارکت می‌کند، خود - درگیر است، نه کار - درگیر (علوی تبار، ۱۳۷۹).

جزء دوم این تعریف انگیزش برای یاری دادن است. شخص در مشارکت این فرصت را می‌یابد تا از قابلیت‌ها، ابتکارها و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده نماید. همین امر، میان مشارکت و موافقت تمایز ایجاد می‌کند. مشارکت، داد و ستد اجتماعی دوسویه میان مردم است و نه روش قبولاندن اندیشه‌های مسئولان بالادست. در مشارکت نقش اصلی با مشارکت‌کننده است (پیشین).

سومین جزء، پذیرش مسئولیت است. مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، هم‌سرنوشتی و مسئولیت بدهد. زمانی که افراد جامعه مسئولیت سهیم شدن در امر مشارکت را بپذیرند و دولت نیز یافته‌های حاصل از مشارکت عمومی را به کار بندد و حضور و وجود اشخاص و دیدگاه‌های آنان را بازتاب کند، بی‌شک نتایج منسجم‌تر و مورد قبول‌تر خواهند بود. به‌علاوه حدّ اعلاّی مشارکت از طریق هدایت اجتماعی صورت می‌گیرد. به‌گونه‌ای که محورهای اصلی و خط سیر برنامه‌ریزی از مردم اخذ می‌شود. در نتیجه بده‌بستانی دائمی میان مردم و طراح شکل می‌گیرد که در آن

«اصلت» به معنای دست اول بودن یا دست نخورده بودن اثر است؛ به شکلی که در ابتدا ساخته شده یا در وضعیتی که گذشت زمان آن را تغییر داده است. ارزش اصلت هر اثر برگرفته از تعریفی است که از ماهیت آن به دست آمده است. بنابراین کالبد اثر باید نمایان‌کننده دوره‌های معتبر ساخت و به کارگیری آن در طول زمان تاریخی‌اش باشد. اصلت هر اثر باید در هر چهار بُعد مورد توجه قرار گیرد: طراح، مصالح، مهارت‌ها و کیفیت استقرار.

اصلت و درستی، جنبه‌ای مهم در ارزیابی ذخایر میراث فرهنگی است. از دید کلی، اصلت هنگامی به منبع میراث تاریخی نسبت داده می‌شود که از نظر مواد اولیه، اصل و واقعی است و در طول زمان قدیمی شده و تغییر و تحول یافته است (حناچی و دیگران، ۱۳۸۶). به علاوه، بر اساس سند نارا در سال ۱۹۹۴، تنوع فرهنگ‌ها و میراث فرهنگی به عنوان منبعی غیر قابل جایگزین و بی‌نظیر از غنای فکری و روحی برای تمامی بشر تشخیص داده شده است. لذا در این جا بر اساس دستورالعمل یونسکو برای اثبات مسأله اصلت و یکپارچگی در آثار، به بررسی امامزاده علی اکبر، که از ارکان شکل‌گیری محله چیدر است، می‌پردازیم.

اصلت در طرح: طرح اصیل اثر به سال ۹۰۰ هجری برمی‌گردد و به دلیل فرسایش‌پذیری مورد مداخلات عمرانی قرار گرفته و در حال حاضر رد و مکان اثر بر شواهد تاریخی (سنگ‌های قبر گورستان) منطبق است.

اصلت در فناوری ساخت: این اثر در فناوری ساخت اصیل خود به صورت آجری بود، اما امروزه مداخلات و بازسازی در آن انجام شده است.

اصلت در استقرار: مکان و موقعیت اصیل اثر حفظ شده است، ولی دیگر عناصر آن شامل بنا، ضریح و صندوق هیچ کدام اثر تاریخی محسوب نمی‌شوند. آلودگی‌های بصری در منظر اثر به صورت بسیار آزاردهنده دیده می‌شود. آبنباری در امامزاده وجود داشت که سردر ورودی آن مزین به چند خشت کاشی (کتبیه) بود و امروزه از میان رفته است. سنگ قبرهای گورستان از قدمت بسیار بالایی برخوردار هستند.

اصلت در مواد و مصالح: مواد و مصالح سازنده آن در دیواره‌های بستر، غیر طبیعی و غیر اصیل هستند. به دلیل دوره‌های تخریب کل اثر توسط خیرین منطقه و بنیاد شهید با استفاده از بتن سیمان و سنگ، مرمت و بازسازی کامل شده است. **یکپارچگی بصری:** رنگ و چیدمان اثر تا حدودی اصیل است، اما مداخلاتی در حین بازسازی انجام گرفته که تا حدودی، اصلت امامزاده را مخدوش کرده است.

یکپارچگی ساختاری: اثر تا حدودی یکپارچگی ساختاری خود را حفظ کرده و مؤلفه‌های ساختاری آن اصیل است. مداخله ساختاری به جز حذف آب انبار، در آن صورت نگرفته است.

یکپارچگی در کاربری: این اثر یکپارچگی خود را در کاربری مذهبی برای نیایشگاه حفظ کرده است و علاوه بر آن نقش نمادینی در منطقه ایفا می‌کند (آزادارمکی، ۱۳۸۶).

با احساس مسئولیت بیش تر مردم، زمینه مشارکت آن‌ها فراهم می‌شود (عندلیب، ۱۳۸۷). از این رو، مشارکت شهروندان در امور شهری نیز نخست، مستلزم درگیر ساختن هر چه بیش تر ایشان با مسائل شهر، دوم، بهره‌گیری از توان ایشان و نهایتاً، مسئولیت‌پذیری ایشان نسبت به شهر و فرایندهای شهری است.

۴-۱. مشارکت و بهسازی بافت‌های فرسوده

ضرورت و اهمیت مشارکت عمومی و بهره‌گیری از اندیشه‌ها و آرای مردم، در بهسازی بافت‌های فرسوده هر چه بیش تر احساس می‌شود. مشارکت دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. جلب مشارکت عمومی و حساس‌سازی شهروندان نسبت به اهمیت حفظ میراث فرهنگی بافت‌های تاریخی اهمیت مضاعف دارد. هم‌چون خود تاریخ، بافت‌های تاریخی نیز چیزی مربوط به گذشته نیستند، بلکه بازتاب گذشته برای زندگی کنونی هستند.

بافت تاریخی حاصل مواجهه اکنون با گذشته است؛ به‌گونه‌ای که ما همواره در حال بازسازی و بازسازی گذشته هستیم. این گذشته به ما رسیده همواره زندگی و عمل ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهمیت این گذشته ما را بر آن می‌دارد تا با سنجیده‌ترین راه‌ها به بازسازی و نوسازی در بافت بپردازیم. بهره‌گیری از الگوی مشارکت می‌تواند یکی از موفق‌ترین این روش‌ها باشد.

در سیر تحولات طراحی شهری می‌توان دیدگاه‌های کلی نظری را به چهار گروه تقسیم نمود:

- ۱- برنامه‌ریزی برای ساختمان‌ها ،
- ۲- برنامه‌ریزی برای مردم ،
- ۳- برنامه‌ریزی به‌وسیله مردم ،
- ۴- برنامه‌ریزی با مردم .

دیدگاه اول دیدگاهی است صرفاً کالبدی و فیزیکی که هدف نهایی آن ساختمان و زیباسازی آن است و امور حول محور نوسازی کالبدی ساختمان برنامه‌ریزی می‌شود. در دیدگاه دوم برنامه‌ریز و طراحی مردم را در مقام تشخیص قرار نمی‌دهند و برای مردم و برای منافع آن‌ها باتوجه به رویکرد و مفروضات خود برنامه‌ریزی می‌کنند. در برنامه‌ریزی و طراحی به‌وسیله مردم جایگاه تخصصی را مردم به عهده می‌گیرند. در واقع آن‌ها اختیار امور را به دست می‌گیرند و طراحی به‌عنوان مشاور در کنار آن‌ها جای می‌گیرد (عندلیب، ۱۳۸۷). توجه به این امر اهمیت دارد که در مشارکت عمومی منافع عامه به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده است. به‌نظر می‌رسد در سه دیدگاه اول می‌توان بحث مشارکت عمومی و تأمین منافع و مصالح عموم را توأمان به دست آورد، ولی دیدگاه «طراحی با مردم» می‌تواند بهترین گزینه باشد. در این مشارکت، سیاست‌های مدیران شهری با حفظ احیای هویت‌های محلی و منطقه‌ای و نگرش‌های فرهنگی اجتماعی شکل می‌گیرد.

از ضرورت‌های اصلی در نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده، برنامه‌ریزی بر مبنای نیاز ساکنان، ظرفیت آن‌ها و تمایلات مردم

ساکن است (عندلیب، ۱۳۸۷). ظرفیت مردم هر منطقه برای مشارکت در اداره شهر یا منطقه‌شان توسط عواملی چون فرهنگ سیاسی شهر، میزان فراهم بودن مقتضیات مدیریت مشارکتی و قواعد و قوانین حاکم بر زندگی مردم تعیین می‌شود (علوی‌تبار، ۱۳۷۹).

۵-۱. تأثیر محیط بر کودکان و نوجوانان و ضرورت توجه به ایشان در طراحی

محیط شهری ارتباط وسیعی با رشد کودک دارد و در رشد و یادگیری کودک اثرگذار است. تجربه‌هایی که کودک از محیط پیرامون خود می‌آموزد به او در فهم مسئولیت‌های آتی اش کمک می‌کند. توجه به این موضوع در طراحی محله در ایجاد روانی سالم و رشد اجتماعی و جسمی مناسب کودک اهمیت حیاتی دارد. نه تنها محیط انسانی بلکه محیط فیزیکی نیز در جریان رشد افراد اثرگذار است؛ چراکه از تجارب محیطی است که مغز انسان «ضرورت» رشد را می‌آموزد. ساختمان‌ها و مکان‌ها در رشد، آموزش و ترغیب‌کنندگی تأثیرگذار هستند. بناها و فضاها بر سلامتی، رشد فیزیکی، ذهنی و اخلاقی کودکان و به دنبال آن بزرگسالان تأثیر می‌گذارند. به علاوه بر سطح آگاهی آنها نسبت به محیط و اجتماع نیز بی‌اثر نخواهند بود.

کودکان و بزرگسالان هر کدام دنیا را متفاوت می‌بینند. ساختمان‌ها توسط بزرگسالان طراحی می‌شود، در حالی که عموماً توسط کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در زمان طراحی، بزرگسالان به معیارهایی چون اجرایی بودن، حفظ انرژی، زیبایی‌شناسی و مسائل اقتصادی توجه بسیار دارند. به طور حتم این موارد اهمیت بسزایی دارد، اما هیچ ارتباطی با تجارب کودک ندارد. تجربه بزرگسالان از فضا بر پایه نحوه استفاده آن‌ها از مکان تعریف می‌گردد، در حالی که کودکان در جست‌وجوی این هستند که فضا چه می‌گوید و چگونه باید با آن مواجه شد و تجربه‌اش کرد. پائولا لیلارد چنین نگرش‌هایی را این‌گونه تشخیص می‌دهد: «کودکان محیط را برای رسیدن به کمال خود استفاده می‌کنند و بزرگسالان از خودشان جهت بهبود و کمال محیط بهره می‌برند. کودکان به‌خاطر فرآیند کار می‌کنند و بزرگسالان جهت دست‌یابی به نتیجه نهایی. این یعنی مکان برای بزرگسال هدف از پیش تعیین شده است ولی برای کودک فرصتی برای انجام امور. بزرگسالان (عموماً) در زیبایی مادی و واقعی - شناخته شده و غیر قابل تغییر - زندگی می‌کنند و کودکان در زیبایی خیالی» (Day, 2007).

پیازه معتقد است «روند رشد فهم به صورت خطی نیست، بلکه به صورت شبکه روابطی در هم تنیده و پویا است. ادراک، کنش و تعامل با دیگران آن را رشد، اصلاح و تثبیت می‌نماید. معرفت انتزاعی دیری نمی‌پاید و دانش هوشمندانه بدون پشتیبانی تجربه ناپایدار است». کودکان دنیای اطرافشان را از طریق تجسس فعال، کشف، درک و قدردانی می‌کنند. آناتی اولدرز، روان‌شناس کودک این‌گونه اظهار می‌نماید که کودکان مدام در دنیای این‌جا

- سنجش میزان رضایت و یا عدم رضایت از بافت شهری محله به تفکیک نما، پیاده‌رو، فضای سبز، فضاهای ورزشی، فضاهای فرهنگی و...
- دست یابی به ترجیحات مردم محله در زمینه‌هایی چون عناصر معماری سنتی/ مدرن و...
- حساس‌سازی قشرهای مختلف محله به ویژه کودکان و نوجوانان به عناصر معماری محله‌شان.

۳. روش‌شناسی

از آن‌جا که هدف این پژوهش، شناخت آگاهی و احساس نوجوانان چیداری و ادراک بصری آنان از این محله است، از روش پیمایش استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است که برای یافتن پاسخ‌های دقیق و افزایش روایی پژوهش برای هر پرسش عکس مجموعه‌ای از فضاهای محل پیوست شده بود.

۴. جمعیت آماری و نمونه‌گیری

واحد تحلیل در این پژوهش فضاهای مختلف محله و واحد مشاهده فرد است. جمعیت آماری این پژوهش کودکان و نوجوانان دوره راهنمایی هستند که در گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال قرار دارند. جمعیت نمونه این پیمایش از میان دانش‌آموزان دو مدرسه راهنمایی دخترانه و پسرانه و تنها مدارس راهنمایی موجود در محل، انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای، تعیین شد. از این رو، کلاس‌ها به عنوان خوشه در نظر گرفته شده، در مجموع ۱۵۰ پرسشنامه معتبر جمع‌آوری گردید که ۵۲ درصد مربوط به پسران و نزدیک به ۴۸ درصد آن مربوط به دختران بوده است.

۵. یافته‌ها

در پرسش اول احساس کلی افراد نمونه به محله بررسی شد. در حالی که تنها ۱۹ درصد از پاسخگویان، چیدار را در حد زیاد و بسیار زیاد دوست داشته‌اند، ۳۸ درصد گفته‌اند که چیدار را دوست ندارند. در پرسش‌های بعدی تلاش شد رضایت یا نارضایتی آن‌ها از فضاهای مختلف محله بررسی شود تا به تفکیک فضا، نظر پاسخگویان به دست آید. یکی از فضاهای مهم در هر محله پیاده‌روها هستند. در این زمینه، حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان از وضعیت پیاده‌روهای چیدار اظهار نارضایتی کرده‌اند. ۴۳ درصد نیز تا حدی رضایت داشته و تنها ۱۳ درصد از پیاده‌روهای محله ابراز رضایت نموده‌اند.

جدول شماره ۱: رضایت از پیاده‌روها

رضایت	فراوانی	درصد
خیلی پایین	۱۸	۱۹/۱
پایین	۲۱	۲۲/۳
تا حدودی	۴۳	۴۵/۷
خوب	۱۰	۱۰/۶
بسیار خوب	۲	۲/۱
جمع	۹۴	۱۰۰

و آن‌جا (تخیل و واقعیت) سیر می‌کنند و از ظرافت در رنگ، نور، صدا، بو، حس لامسه، بافت، حجم، حرکت، فرم و ریتم اطراف‌شان لذت می‌برند (Day, 2007).

هر چند از نظر کودکان، افراد از درجه اهمیت بالاتری بهره‌مند هستند، لیکن آن‌ها اکثراً مکان‌ها را بهتر به خاطر می‌سپارند. آن‌ها در نهایت ذره به ذره فضای بازی‌شان را به ذهن می‌سپارند و می‌دانند هر فضا در چه فصلی مناسب‌تر است. تجربه بزرگ شدن در محیط قابل پیش‌بینی آینده از «شخصیت‌ها»، هویت شخصی، هویت مکان و امنیت عاطفی است که همگی به هم مرتبط شده‌اند. چنین خاطراتی فراموش نشدنی هستند؛ هم‌چون تصاویر پر شور مکان‌های کودکی ما. درس‌های «فراگرفته شده» توسط کودکان از محیط از ارزش‌های نهفته موجود در ساختمان‌ها و مکان‌ها متأثر است. کودکان «کیفیت» محیط را فرا می‌گیرند و نوجوانان نسبت به «حسی» که محیط در آن‌ها بر می‌انگیزاند، واکنش نشان می‌دهند. بنابراین معماری کیفی در بطن، آموزشی برای رشد کودکان است. «معماری کیفی» به معنای معماری برای نیازهای «کودکان» است نه برای معیارهای بزرگسالان؛ این یک تفاوت بزرگ است (Gottdiener, 2005).

نظریه‌های متعددی درباره معماری خوب وجود دارد. به زعم معماران، و حتی بیش‌تر بزرگسالان هیچ ضمانتی برای سودآور بودن ساختمان‌ها برای کودک نیست؛ حتی در ساختمان‌هایی که با هدف ایجاد اعتبار برای معمار و سازنده آن بنا می‌شوند. آن‌چه که توسط بزرگسالان مورد تحسین واقع می‌شود، کم‌تر شبیه به خانه‌ها و فضاهایی است که توانایی ارتباط با آن برای کودکان وجود دارد. توجه به نیازهای کودکان اغلب نیازمند ساختمان‌هایی غیر متعارف است. در حالی که معماری این ساختمان‌ها باید دارای طراحی توده‌وار و پاسخگو نسبت به نیازهای کودکان باشد. کودکان نیاز به ساختمان‌هایی دارند که برای کودکان طراحی شده و نه برای مجله‌ها. این موضوع به این معنا است که محیط با توجه به سنین مختلف توانایی پرورش و خلق متفاوتی دارد. کودکان نیاز به معماری‌ای دارند که آن‌ها را «شکل» ندهد، بلکه به آن‌ها «خدمت‌رسانی» کند، محیطی که آن‌ها را قوت بخشد و آماده پذیرش زندگی در این جهان کند. این ملزم به نگاهی جدید و فهمی متفاوت است و برای چنین مقصودی طراحی محیط برای کودکان امری ضروری است (Day, 2007).

مشاهده چگونگی رشد کودکان از بدو تولد تا بزرگسالی می‌تواند در طراحی «محیط فیزیکی» آن‌ها - ساختمان‌ها و فضاهای بیرونی - مؤثر باشد و نیازهای رشد آن‌ها را در سنین متفاوت تأمین کند. به جای توسعه مکان‌هایی به‌دور از نیازهای کودکان و موقعیت‌های خاص آنان، می‌توان امکانی سازگار با روان کودک خلق کرد که در عین حمایت از رشد کودک، او را در هر مرحله تقویت و ترغیب نماید.

۲. اهداف پژوهش

این پژوهش به طور اجمالی اهداف ذیل را پی می‌گیرد:

از این فضای پر ترافیک است. افسردگی و بی‌نظمی دو صفت بعدی بوده‌اند که پس از ناامنی بیش‌ترین استفاده را داشته‌اند و بیانگر حس کودکان چیدر از این فضاها هستند. در مجموع، ۷۲ درصد صفات مورد استفاده کودکان برای توصیف این فضاها و بیان حس خودشان منفی بوده است، که نشانگر حس عمیقاً منفی آن‌ها از فضای اصلی محله است.

جدول شماره ۴: صفات به کار رفته برای توصیف فضاها اصلی محله چیدر

درصد	فراوانی	صفات
۵/۲	۸	زشتی
۸/۴	۱۳	اضطراب
۹/۱	۱۴	کهنگی
۵/۲	۸	ازدحام
۱۰/۴	۱۶	افسردگی
۱۰/۴	۱۶	بی‌نظمی
۹/۱	۱۴	آشفته‌گی
۱۲/۳	۱۹	ناامنی
۶/۵	۱۰	دلبازی
۳/۲	۵	آرامش
۵/۲	۸	فضای آشنا
۰/۶	۱	خانه پدری
۱/۹	۳	با صفا
۱/۳	۲	شادابی
۰/۶	۱	راحتی
۵/۸	۹	نظم
۱/۳	۲	دنچی
۱/۹	۳	غیره (صفات منفی)
۱/۳	۲	غیره (صفات مثبت)
۱۰۰	۱۵۴	جمع

فضای دوم، خود امام‌زاده بوده است. فضای سنتی آن که کم‌تر مورد بازسازی قرار گرفته است، فضایی است پر درخت و سرسبز که با وجود نزدیکی به میدان پرهیاو، محیطی نسبتاً آرام دارد و عموماً با صفات مثبتی چون آرامش، با صفا، دلبازی، شادابی، دنچی و خانۀ پدری توصیف شده است. صفات با صفا و آرامش بیش‌ترین استفاده را داشته‌اند و بیش از هر صفت دیگری بیانگر حس کودکان از این فضا بوده‌اند. در مجموع، بیش از ۹۶ درصد صفات بیان شده مثبت و تنها حدود ۳ درصد صفات منفی بوده است.

یکی دیگر از فضاها با اهمیت، بوستان‌های شهری و فضاها سبز هستند. در این زمینه نیز بیش‌تر کودکان و نوجوانان پاسخگو ناراضی بودند. حدود ۵۵ درصد جمعیت نمونه فضای سبز محله را کم و یا بسیار کم دانسته‌اند و تنها ۱۲ درصد گفته‌اند فضای سبز چیدر کافی است.

جدول شماره ۲: رضایت از فضاها سبز

رضایت	فراوانی	درصد
خیلی پایین	۲۴	۲۵/۵
پایین	۲۹	۳۰/۹
تا حدودی	۲۹	۳۰/۹
خوب	۵	۵/۳
بسیار خوب	۷	۷/۴
جمع	۹۴	۱۰۰

دیگر فضای با اهمیت محله، خانه‌ها هستند که درباره شکل آن‌ها پرسش شد. حدود ۳۲ درصد از پاسخگویان از شکل خانه‌ها ابراز رضایت کرده‌اند. در مقابل، همین حدود نیز ابراز ناراضی داشته‌اند.

جدول شماره ۳: ارزیابی شکل خانه‌ها

رضایت	فراوانی	درصد
خیلی پایین	۱۴	۱۵/۲
پایین	۱۷	۱۸/۵
تا حدودی	۲۹	۳۱/۵
خوب	۱۹	۲۰/۷
بسیار خوب	۱۳	۱۴/۱
جمع	۹۲	۱۰۰

فضاهای ورزشی چه در مقیاس کوچک یعنی محله و چه در مقیاس بزرگ‌تر چون شهر همواره از نکات قابل توجه است، لذا ارزیابی میزان رضایت نوجوانان از امکانات ورزشی تأثیر مستقیمی در ارتباط آن‌ها با محله‌شان دارد. حدود ۴۳ درصد از پاسخگویان فضاهای ورزشی چیدر را کم یا بسیار کم دانسته‌اند. در مقابل، ۱۸ درصد از این وضعیت رضایت داشته‌اند. هم‌چنین، فضاهای فرهنگی که به عنوان کانون ایجاد روابط محلی میان قشرهای متعدّد محله چون نوجوانان، زنان و پیران محل نقش‌آفرینی می‌کنند، از سوی ۷۳ درصد از پاسخگویان کم و بسیار کم استفاده قرار می‌گیرد. تنها کم‌تر از ۱۰ درصد پاسخگویان گفته‌اند از این فضاها زیاد استفاده می‌کنند.

در ادامه از پاسخگویان خواسته شد تا حس خود را از برخی از فضاها محله چیدر شامل کوچه‌ها، معابر، پیاده‌روها، فضاها سبز و نمای ساختمان‌ها و فضاها سنتی - مذهبی امام‌زاده، با یک یا حداکثر دو صفت از فضا بیان کنند. بیش‌ترین صفت به کار رفته از سوی پاسخگویان برای فضای پیرامون میدان امام‌زاده علی اکبر ناامنی بوده است. این صفت نشان‌دهنده اضطراب کودکان در عبور

جدول شماره ۵: صفات به کار رفته برای توصیف خود امامزاده علی اکبر

صفات	فراوانی	درصد
زشتی	۱	۰/۶
اضطراب	۱	۰/۶
ازدحام	۱	۰/۶
افسردگی	۱	۰/۶
بی نظمی	۱	۰/۶
دلبازی	۲۳	۱۴/۸
آرامش	۳۷	۲۳/۹
فضای آشنا	۳	۱/۹
خانه پدری	۱۳	۸/۴
با صفا	۳۷	۱۲/۹
شادابی	۱۴	۹/۰
دنجی	۱۳	۸/۴
جمع	۱۵۵	۱۰۰

جدول شماره ۶: مقایسه صفات مثبت و منفی استفاده شده برای توصیف فضای امامزاده علی اکبر

صفات	فراوانی	درصد
صفات منفی	۱۱۳	۷۳/۴
صفات مثبت	۴۰	۲۶
صفت خنثی	۱	۰/۶
جمع	۱۵۴	۱۰۰

فضای سوم اختصاص به یکی از کوچه‌های نوعی (تیپیک چیذر) داشته است؛ معابر باریک بدون پیش‌بینی فضای اختصاصی برای عابر، همراه با خانه‌هایی با شکل و نمای قدیمی محله. معابر محله کهن چیذر اکثراً با شیب منطقه تطابق داشته و با عرضی متناسب با حرکت پیاده طرح‌ریزی شده است. بررسی حس پاسخگویان از این فضا نشان می‌دهد که این فضا حس کهنگی را بیش از هر حس دیگری در کودکان محله ایجاد می‌کند. زشتی و افسردگی به ترتیب دو صفت بعدی هستند. در مجموع، ۷۳ درصد صفاتی که کودکان برای بیان حس خود برگزیده‌اند منفی و تنها ۲۶ درصد مثبت بوده است. در مجموع نتایج فوق نشان‌دهنده حس نامطلوب کودکان محله از بافت قدیمی محله است.

جدول شماره ۷: مقایسه صفات مثبت و منفی استفاده شده برای کوچه‌های قدیمی چیذر

صفات	فراوانی	درصد
صفات منفی	۱۱۳	۷۳/۴
صفات مثبت	۴۰	۲۶
صفت خنثی	۱	۰/۶
جمع	۱۵۴	۱۰۰

فضای پنجم، نمای محله است که یکی از ابعاد مهم در بهسازی بافت محله شناخته می‌شود. این محله ضمن این که در وضعیت کنونی تأثیر مخربی در سیمای محله دارد، اتفاقاً بازسازی آن به نسبت هزینه کم‌تری دارد و امکان همسان‌سازی و سازگاری با سبک‌های معماری مد نظر را فراهم می‌آورد. وضعیت کنونی محله از نظر نما به شدت آشفته است و آلودگی بصری فوق‌العاده‌ای ایجاد نموده است. وضعیت کنونی دارای انواع نماهای سیمان سنتی، سنگ در رنگ‌های مختلف آجر و شیشه است که از هر کدام در مدل‌های مختلفی در این بافت وجود دارد.

احساس پاسخگویان از این نماها عمدتاً منفی است. دو صفتی که بیش‌ترین فراوانی را در میان پاسخ‌ها داشتند آشفتگی و افسردگی است. بی‌نظمی، ازدحام، نامنی، اضطراب و زشتی از جمله صفاتی هستند که پس از این دو و توصیف نمای بناها بیان شده است. فراوانی این چند صفت نشان دهنده ضرورت تمهیدی برای بهبود این وضعیت از سوی شهرداری است؛ چرا که این صفات در سطح خود آگاه از سوی پاسخگویان اعلام شده است، مطمئناً تأثیر این وضعیت در سطح ناخودآگاه بسیار بیش‌تر و عمیق‌تر از این است. ادامه وضعیت کنونی، سلامت روانی اهالی منطقه را تهدید می‌کند. فضای ششم نیز مربوط به بحث نمای ساختمان‌ها در چیذر است. این نماها به طور خاص به دو مسأله می‌پردازد. تضاد نماها و دیگری عدم هم‌خوانی ارتفاع که محصول نوسازی بدون توجه به معماری زیباشناختی و شهرسازی است که محصول آن وجود خانه‌های مرتفع به گونه‌ای بی‌نظم و ناجور در کنار خانه‌های قدیمی است. نوسازی‌ای که نه تنها کمکی به بهبود بافت چیذر نکرده است، بلکه بر آشفتگی بصری آن نیز افزوده است. این امر غیر از مشکلات دیگری چون سنگینی ترافیک است که ناشی از این گونه نوسازی‌ها است.

واکنش پاسخگویان مؤید این نظر است. افزون بر ۱۸ درصد کودکان چیذر صفات منفی‌ای برای بیان احساس خود از این نما برگزیده‌اند. جالب آنکه بیش‌ترین صفت زشتی بوده است و سپس به ترتیب افسردگی، اضطراب، آشفتگی و بی‌نظمی. این نتایج، بیانگر ضرورت تغییر در سیاست‌های شهرداری در نحوه صدور جواز برای این مناطق است. این سرمایه می‌تواند برای بهبود منطقه بکار گرفته شود و نه ایجاد مشکلات تازه.

جدول شماره ۸: مقایسه صفات مثبت و منفی استفاده شده برای هماهنگی نماها

صفات	فراوانی	درصد
صفات منفی	۱۰۵	۸۰/۲
صفات مثبت	۲۶	۱۹/۸
کل	۱۳۱	۱۰۰

فضای هفتم، اختصاص به یکی از فضاهای اصلی منطقه یعنی میدان امامزاده علی اکبر دارد؛ فضایی شلوغ با تردد بسیار ماشین

ظرفیت‌های آن است. در مجموع، حدود ۶۰ درصد صفات به کار رفته برای تشریح این فضا منفی و حدود ۴۰ درصد مثبت بوده‌اند. البته صفاتی چون شادابی و با صفایی نیز زیاد به کار رفته است. چگونگی توزیع صفات مورد استفاده پاسخگویان برای تشریح این فضا بر خلاف فضای پیشین قطبی نیست و از زیر گروه دو صفت (مثبت و منفی) استفاده شده است. این نمایانگر درک فضای خوب کودکان است که می‌توانند نقاط مثبت و منفی فضا را توأمان تشخیص دهند.

جدول شماره ۱۰: مقایسه صفات مثبت و منفی استفاده شده برای فضای پشت امامزاده علی اکبر

صفات	فراوانی	درصد
صفات منفی	۷۱	۵۸/۷
صفات مثبت	۵۰	۴۱/۳
جمع	۱۲۱	۱۰۰

فضای یازدهم ضلع جنوب شرقی امامزاده را شامل می‌شود. فضایی که از جمله فضاهای اصلی محله چیدر است. در مجموع، پاسخگویان برای تشریح این فضا عمدتاً از صفات مثبت استفاده کرده‌اند. صفاتی که بیش تر بیان شد، عبارت است از: فضای آشنا، با صفا، شادابی و آرامش. البته صفات منفی نیز نسبتاً زیاد به کار رفته است و حدود ۴۰ درصد صفات را شامل می‌شود. این فضا برای طراحان مرکز محله مناسب به نظر می‌آید، لذا می‌توان با قوت بخشیدن به عناصری که صفاتی چون آشنایی و آرامش را به اذهان متبادر می‌کنند، عناصری که صفات منفی چون ناامنی، افسردگی، آشفتگی، بی نظمی و ... را تولید کرده‌اند، از میان برد.

نتیجه گیری

کودکان دنیای اطرافشان را از طریق تجسس فعال، کشف، درک و قدردانی می‌کنند. آن‌ها مدام در دنیای تخیل و واقعیت سیر می‌کنند و از ظرافت در رنگ، نور، صدا، بو، حس لامسه، بافت، حجم، حرکت، فرم و ریتم اطرافشان لذت می‌برند. اگر چه برای آن‌ها افراد مهم تر هستند، ولی اکثراً مکان‌ها را بهتر به خاطر می‌سپارند و تجاربی چون بزرگ شدن در محیط قابل پیش‌بینی آکنده از «شخصیت‌ها»، هویت شخصی، هویت مکان و امنیت عاطفی را از محیطشان کسب می‌کنند. درس‌های «فراگرفته شده» کودکان از محیط، ارتباط بسیار تنگاتنگی با ارزش‌ها و الگوهای موجود در ساختمان‌ها و مکان‌ها دارد. بنابراین معماری کیفی، در بطن واجد آموزش برای رشد کودکان است. «معماری کیفی» به معنای معماری برای نیازهای «کودکان» است نه برابر با معیارهای بزرگسالان. این تفاوت بزرگ همواره باید در طراحی مورد توجه قرار گیرد.

این مطالعه نشان می‌دهد که مجموعه فضاهای محله نتوانسته است احساس علاقه لازم را در میان نوجوانان محله ایجاد کند. از این رو باید با توجه به نظر مردم تدبیری در جهت دگرگونی این

و انسان. بیش از ۳۸ درصد صفات به کار رفته در مورد این فضا، اختصاص به ازدحام دارد. پس از آن، بی نظمی با ۱۵/۱ درصد دومین صفت پر استفاده است. در مجموع ۷۳/۸ درصد از صفات به کار رفته در مورد این میدان، منفی بوده‌اند. این امر نشان دهنده نارضایتی بالا از مهم‌ترین معبر چیدر است.

فضای هشتم مربوط به برخی از کوچه‌های اصلی چیدر است؛ کوچه‌هایی بدون پیاده‌رو و بدون جوی همراه با آشفتگی بصری، بیش‌ترین صفت مورد اشاره برای این نما کهنگی بود. پس از آن دو صفت افسردگی و ناامنی و سپس زشتی بیش‌ترین استفاده را داشتند. در مجموع، نیز نزدیک ۷۰ درصد صفات استفاده شده در این مورد منفی بودند. این نتایج ضرورت بهسازی کوی‌های چیدر را نشان می‌دهد؛ کوی‌هایی که حسی از کهنگی، افسردگی، ناامنی و زشتی را در ساکنان‌شان بر می‌انگیزانند.

از آن‌جا که یکی از اهداف این طرح بازسازی بخشی از بافت چیدر بر اساس الگوی معماری سنتی است، نگرش کودکان و نوجوانان به این سبک معماری حائز اهمیت است. با وجود آن‌که واکنش جمعیت نمونه به برخی بافت‌های کهنه محله منفی بود، ولی توجه مثبت آن‌ها به تک‌المان‌ها و عناصر سنتی دارای ارزش زیباشناختی، نشان می‌دهد که هم‌چنان واکنش مردم به معماری سنتی مثبت است و در صورت به‌کارگیری صحیح این معماری حس بسیار مثبتی ایجاد خواهد کرد. برای سنجش این امر از یک نمای در چوبی دارای راه پله قدیمی استفاده شد. با وجود عدم نوسازی آن، اکثریت پاسخگویان با صفات مثبتی حس خود را از این فضا بیان کرده‌اند. البته بیش‌ترین پاسخ، کهنگی بود که به دلیل کهنگی در و راه پله بیان شده بود. ولی دو صفت بعدی که بیش از همه بیانگر حس پاسخگویان بود عبارت بودند از خانه پدری و دنجی. بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان این سه صفت را انتخاب کرده بودند. این امر به ویژه نشان‌دهنده ضرورت استفاده از این تک‌المان‌های باقیمانده در بافت چیدر است. المان‌هایی که می‌تواند «خانه پدری» و آرامش را به خاطر آورند.

جدول شماره ۹: مقایسه صفات مثبت و منفی استفاده شده برای معماری سنتی چیدر

صفات	فراوانی	درصد
صفات منفی	۶۱	۴۶/۲
صفات مثبت	۷۱	۵۴/۸
جمع	۱۳۲	۱۰۰

فضای دهم اختصاص به محیط پشت امامزاده دارد. فضایی که دارای سبزی نسبتاً مناسبی است و ظرفیت بالایی برای بهسازی دارد. با وجود فضای سبز و ویژگی‌های دیگر از جمله کمی تردد وسایل نقلیه که این فضا را مکانی مناسب برای مرکز محله ساخته است، باز هم اکثراً از صفات منفی برای تشریح این فضا استفاده کرده‌اند. این امر نشان‌دهنده نارضایتی از این فضا به رغم

فضای امامزاده است. با وجود مسائل و مشکلات، حس نوجوانان از این فضا اکثراً مثبت است. آن‌ها فضای سنتی امامزاده علی اکبر را که کم‌تر مورد بازسازی قرار گرفته است با وجود نزدیکی به میدان پرهیا هو عموماً با صفات مثبتی چون آرامش، با صفا، دل‌بازی، شادابی، دنجی و خانه‌پدري توصیف کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که به رغم بسیاری از عارضه‌ها، هنوز ظرفیت خوبی در این فضا وجود دارد. کوچه‌های تیپیک چیدر، دارای معابر باریک بدون فضای اختصاصی برای عابر همراه با خانه‌هایی با شکل و نمای قدیمی محله است. این معابر با توپوگرافی منطقه تطابق دارد. پاس‌خگویان در این فضا حس کهنگی را بیش از هر حس دیگری بیان کرده‌اند. در مجموع، حس کودکان محله از این بافت قدیمی نامطلوب است. باید بهسازی به گونه‌ای باشد که پیش از هر چیز حس کهنگی، زشتی و افسردگی را که به نوجوانان می‌دهد، تغییر دهد. نوجوانان ناراضیتی بالایی نیز از نماهای چیدر داشتند. آشفتگی و افسردگی دو حسی است که بیش از هر حس دیگری به نوجوانان محلی از این نماها منتقل می‌شود. رفع آشفتگی و بی‌نظمی موجود حائز اهمیت است. شهرداری می‌باید به معیارهای معماری در صدور مجوز، حداقل برای بناهای جدید توجه کند.

در این میان نگرش کودکان به سبک معماری سنتی حائز اهمیت است. هر چند واکنش جمعیت نمونه به برخی بافت‌های کهنه محله منفی است، ولی توجه آن‌ها به تک‌المان‌ها و عناصر سنتی دارای ارزش زیباشناختی، نشان می‌دهد که هنوز هم واکنش مردم به معماری سنتی مثبت است و در صورت به‌کارگیری صحیح این معماری حس بسیار مثبتی ایجاد خواهد شد. نوجوانان با دیدن در چوبی ساختمان سنتی به همراه راه پله قدیمی آن از صفات مثبتی برای توصیف استفاده کرده‌اند، هم‌چون خانه پدري و دنجی. این امر نشان می‌دهد که به رغم آن‌که برنامه مدون و صحیحی برای تربیت ذائقه معماری کودکان و نوجوانان وجود ندارد و فضاهای نوین از معماری سنتی هر چه بیشتر فاصله گرفته و طبعاً معماری سنتی در زندگی روزمره با فضاها و بافت‌های فرسوده و رو به ویرانی قرین شده است، با این وجود هنوز نوجوانان حتی از تک‌المان‌های سنتی موجود در میان یک فضای ناهمگن فرسوده نیز، استقبال می‌کنند. این امر نشانه توان‌مندی معماری سنتی ایران است.

از این رو، با توجه به مسائل نظری مطرح شده و یافته‌ها نکات ذیل در هر گونه اصلاح بافت محله چیدر پیشنهاد می‌گردد:

- ضرورت توجه به علائق شهروندان به ویژه نوجوانان و کودکان در بهسازی محله،
- اولویت دادن به احیای فضای سنتی پیرامون امامزاده،
- تقویت تعاملات اجتماعی با گسترش اماکن فرهنگی،
- بهره‌مندی از الگوی معماری سنتی محل،
- لزوم گسترش فضاهای ورزشی به همراه بهبود مدیریت فضاهای موجود،
- لزوم استفاده و گسترش فضاهای سبز در محل،

وضعیت اندیشید. پیاده‌روها یکی از بااهمیت‌ترین فضاهایی است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ خواه برای مردم محل و خواه زائرانی که به چیدر می‌آیند. اندک فضاهای سبز محله نیز چنین وضعیتی دارند. ناراضیتی بیش از نیمی از جمعیت نمونه از پیاده‌روها و فضاهای سبز چیدر و ارزیابی منفی از آن، توجه بازسازی این فضاها را در محله ضروری می‌سازد. اولویت دادن به فضای پیاده‌رو در برخی معابر از جمله پشت امامزاده تدبیر مناسبی است که در کنار دیگر تدابیر می‌تواند تأثیرگذار باشد.

شکل نامناسب خانه‌های محل نیز معضل دیگری است که در ایجاد تصویر نامناسب در ذهن نوجوانان مؤثر بوده است. در این زمینه به نظر می‌رسد باید راهبردهای کوتاه مدت و میان مدت را با اولویت‌بندی فضای پشت امامزاده در نظر گرفت. جلب مشارکت و همکاری اهالی محل در این زمینه بسیار اهمیت دارد. توجیه مالکان نسبت به فواید بصری و حتی مالی بهسازی توسط شورای محل ضروری است. می‌توان اهالی را قانع کرد که هر گونه همکاری ایشان در این زمینه فواید مالی قابل پیش‌بینی‌ای به جهت افزایش مرغوبیت محل خواهد داشت.

فقر فضاهای ورزشی در محله سبب بخشی از ناراضی‌های محله است. اهتمام شهرداری تهران در چند سال اخیر به این امر به ویژه در مورد ورزش بانوان فرصتی را برای جذب اعتبارات شهرداری در این زمینه فراهم کرده است. البته دگرگونی در شیوه مدیریت فضاهای ورزشی دولتی و عمومی موجود نیز به گونه‌ای که امکان بهره‌مندی بیشتر را برای شهروندان فراهم نماید، باید مورد توجه قرار گیرد. اهمیت این فضا صرفاً به نقش آن در بهبود سلامت بدنی شهروندان نیست، بلکه این فضا در کنار فضاهای فرهنگی می‌تواند در ایجاد هویت محلی نقش مهمی داشته باشد. فضاهای ورزشی به عنوان یکی از اصلی‌ترین فضاها، دارای کارکردهای تربیتی نیز هستند.

ناراضیتی عده زیادی از فضاهای ورزشی و اکثریت از کمبود فضاهای فرهنگی ناشی از انگیزه ایجاد روابط محلی در میان نوجوانان است. وجود فضاهای فرهنگی کانون ایجاد روابط محلی میان قشرهای متعدد محله چون نوجوانان، زنان و پیران محل است. متأسفانه وضعیت کنونی، ناراضیتی بیش از ۷۰ درصد شهروندان محله را سبب گردیده است.

در این مطالعه تلاش شد تا حسی که از تجربه فضاهای مختلف محله به نوجوانان دست می‌دهد، بررسی گردد. این امر چنانچه آورده شد هم در کلیت محله و هم در مورد انواع فضاها مد نظر قرار گرفت. با توجه به مسائل موجود بیش از ۷۰ درصد صفاتی که برای توصیف محله به کار رفته، منفی است. این مسأله توجه جدی مدیریت شهری را به وضعیت فضاهای محله ضروری می‌سازد. در این زمینه نه تنها صفات منفی باید مد نظر قرار گیرد، بلکه باید به همان نسبت صفات مثبت نیز به عنوان ظرفیت‌های موجود جهت تقویت در دستور کار هر گونه بهسازی باشد.

مهم‌ترین فضا که اتفاقاً بیش‌ترین جاذبه را هنوز دارد، خود

- بهینه‌سازی عبور و مرور و اصلاح پیاده‌روها.
- هماهنگ‌سازی نماهای موجود و بهبود سیمای شهری.

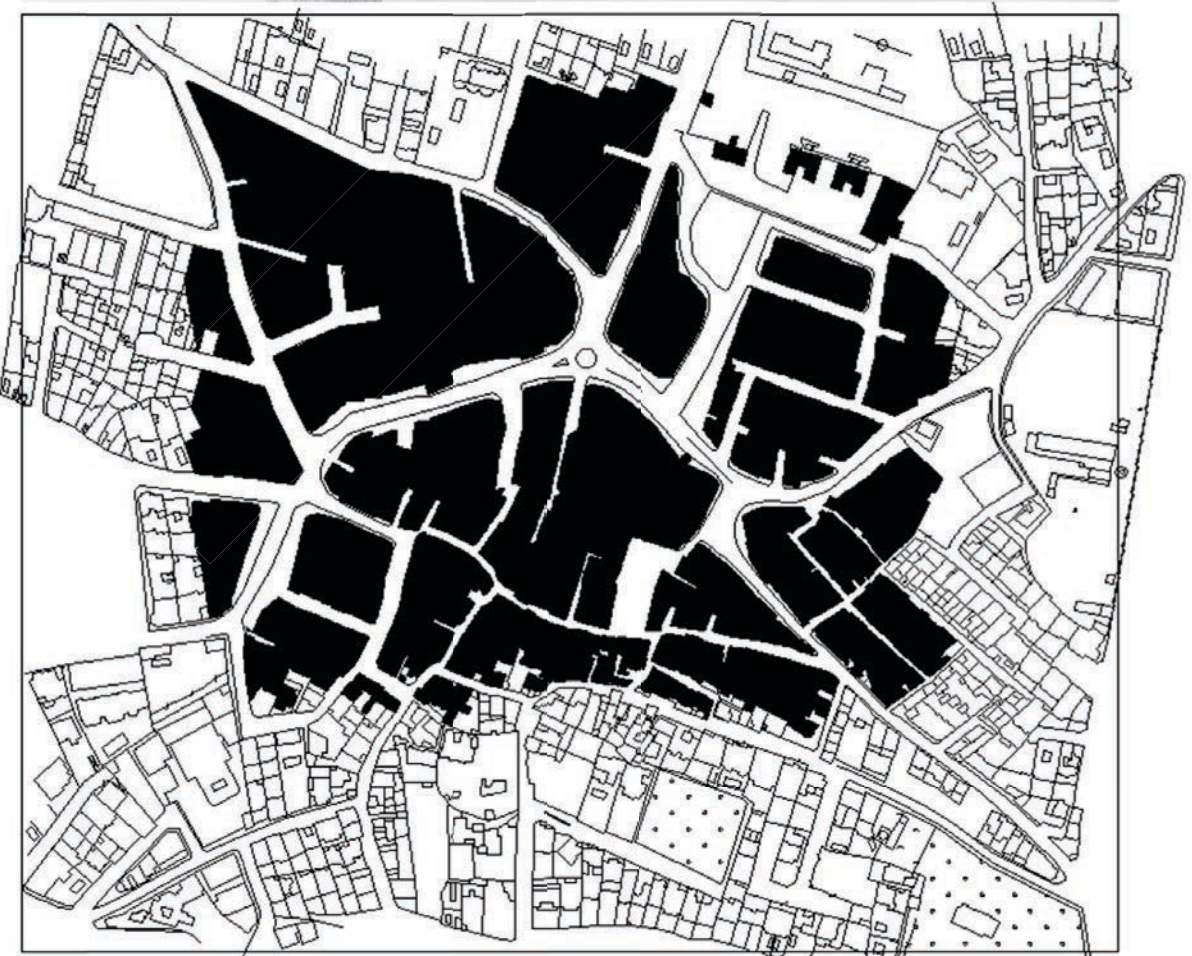
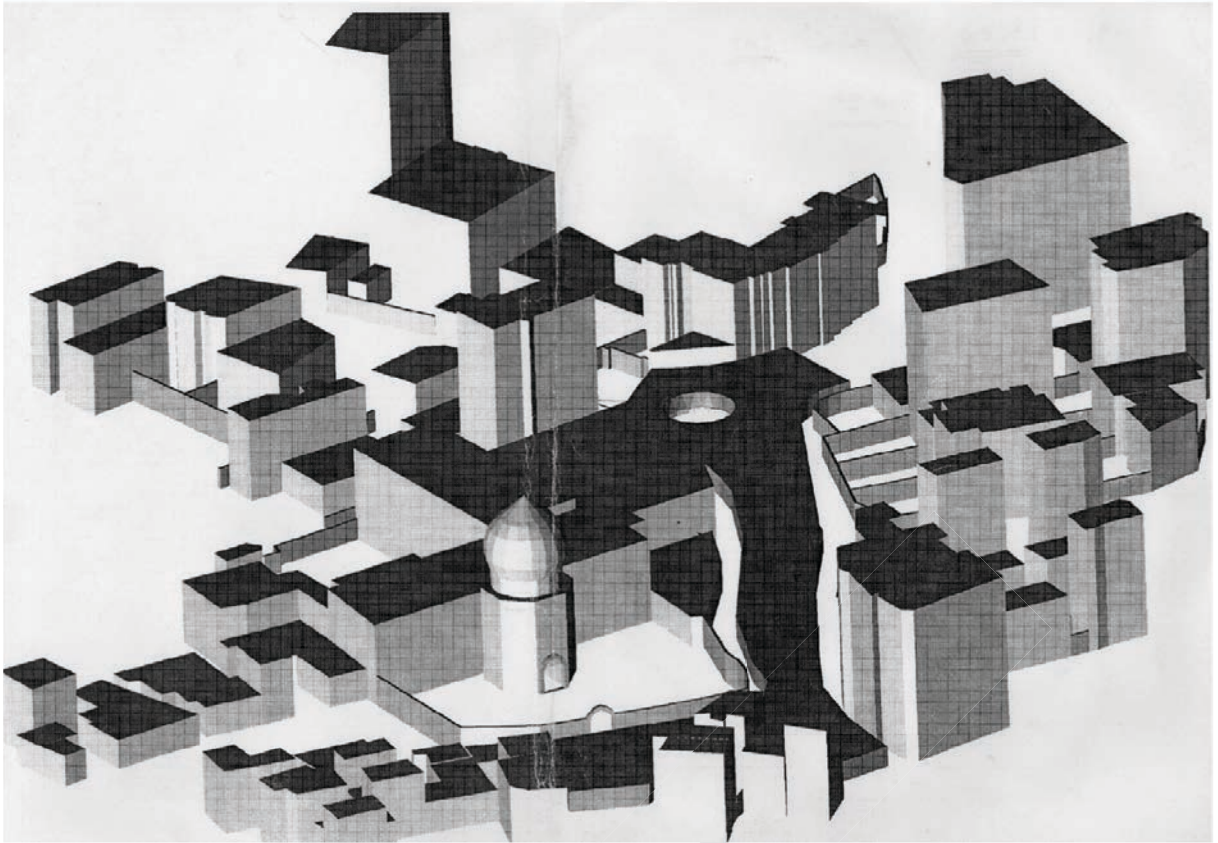
پی‌نوشت‌ها

1. participation
2. Trade off
3. Planning for Buildings
4. Planning for People
5. Planning by People
6. Planning with People
7. Paula Lillard
8. Piaget
9. Anati Olds
10. Quality Architecture

فهرست منابع و مراجع

1. آزادارمکی، مرضیه (۱۳۸۶)، طرحی برای هویت‌بخشی به چیدر: طراحی مرکز محله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت بنا و احیای بافت‌های تاریخی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
2. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۵)، تحلیل فضای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
3. دریسکل، دیوید (۱۳۸۷)، ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و نوجوانان، ترجمه مهرنوش توکلی و نوید سعیدی رضوانی، نشر دیبایه، تهران.
4. حناچی، پیروز و دیگران (۱۳۸۶)، اقدامات مرمت شهری در ایران و جهان، نشر میراث فرهنگی، تهران و یزد.
5. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۷)، مجموعه یادداشتهای نوسازی بافت‌های فرسوده، سازمان نوسازی شهر تهران، تهران.
6. علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
7. طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰)، مشارکت در مدیریت و مالکیت، مرکز آموزش مدیریت دولتی تهران، تهران.
8. رهنما، مجید (۱۳۷۷)، مشارکت در نگاهی نو به مفاهیم توسعه، نویسنده لفگانگ زاکس، مترجم فریده فرمی و وحید بزرگی، نشر مرکز، تهران.
9. فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۴)، نوسازی و بهسازی شهری، انتشارات سمت، تهران.
10. کالن، گوردون (۱۳۸۲)، گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

11. Day, Christopher (2007), **Environment and Children**, Elsevier Press, Great Britain.
12. Gottdiener and Budd (2005), **Key concepts in Urban studies**, Sage press.
13. Thorns, David,(2002), **The transformation of the Cities**, Palgrave
14. Worskett, R.(1986), **The character of towns in Conservation and development in historic towns and cities**, Oriel Press, Newcastle.



نقشه مورد مطالعه در محله چیدر - فضای پیرامون امامزاده علی اکبر